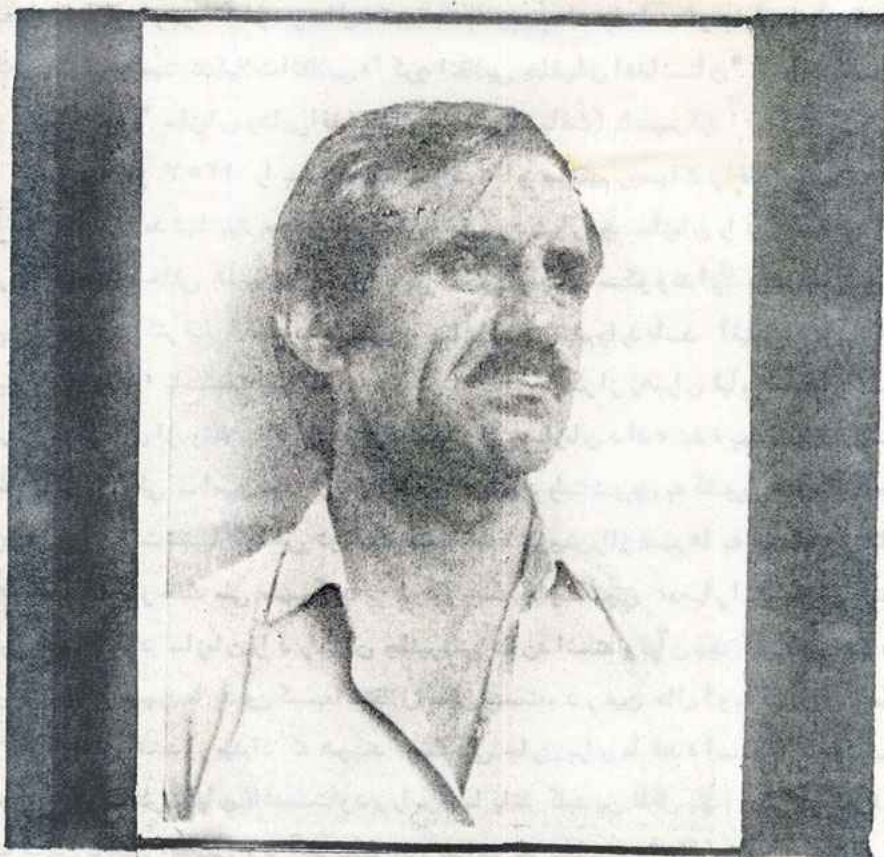


اعلامیه

بمناسبت شهادت رفیق داکتر فیض احمد

رهبر سازمان رهایی افغانستان



(۱۳۶۵ - ۱۳۲۵)

هموطنان شریف!

باز بر پیکر مردم خونین دل اما آزاد یخزاده و دلیر ما و بر پیکر قافله‌ای عظیم از انقلابیون بسیار کوره راه در نور دیده و سختی کشیده اما پولاد و ش و تسلیم ناپذیر ما زخمی چنانکه نشست: بر تاریخ ۱۲ جدی سال ۱۳۶۵، داکتر فیض احمد فرزند کبیر و نامدار میهن‌ماه‌پایه گذار و رهبر سازمان رهایی افغانستان، در اترخیاقت و توطئه‌ای از پیش‌چیده شده توسط باند جنایتکار گلبندین حکمتیار به شهادت رسید و بدین ترتیب سازمان رهایی افغانستان، جنبش انقلابی وطن ما و جنگ مقاومت ضد روسی ملت قهرمان ما یکی از رهبران فرزانه و برومند خود را از دست دادند.

رفیق داکتر فیض احمد از همان جوانی در دوران مکتب‌یکی از معدود شاگردان فعال سیاسی بشمار میرفت که با شخصیت ممتاز و دانش وسیع انقلاب‌پیش‌بین صد هاتن از جوانان

کراتیک و ماوراء ارتجاعیش از داشتن پایه بین توده ها محروم گردیده و نیز بحالت عدم اعتماد به خود و داشتن عقده های بیشمار ناشی از شخصیت آلوده و منحرفش، از مبارزه سیاسی وحشت دارد بناً مثل کلیه سردستانان باند های ضد مردمی دنیا ناگزیر به شیوه های فاشیستی و تروریزم عنان گسیخته متوسل میشود . ولی جنبش انقلابی و سازمان رهایی افغانستان بنوع خود که هشت سال است از مصاف دادن با ابرقدرت متجاوز شوروی از پائین نشسته و نخواهند نشست، از اعمال تبهکارانه گلبدین خاین و باندهش هرگز مرعوب نخواهند گشت .

باند فاشیست گلبدین با ارتکاب جنایات بیشمار علیه ملت ما که در مشقباترین شرایط ممکن رنج جانفرسای جنگ ضد روسی را دلاورانه متحمل میشود ، خود را در محراق نفرت و قهر بیکران نیروهای سیاسی و توده های مردم قرار داده است . همچنین این باند با اثر آدم دزدیها و صدها جنایاتش در پاکستان مایه درد سر و خجالت دولت پاکستان است (البته بدون آنکه دولت مذکور این داغ ننگ و شرم جنگ آزاد بیخش ما را مورد تحقیق قانونی قرار دهد) . با اینهم باند جنایتکار گلبدین پس از به شهادت رسانیدن داکتر فیض احمد میکوشد تا با جعل و پخش نوشتجات مختلف در پاکستان اولاً بروی جنایت نابخشودنیش پرده بکشد و ثانیاً به گمان خامش در مورد سازمان رهایی بین هموطنان ما و مردم پاکستان ایجاد ابهام و سوءظن کند . ولی دیکسو خون هزاران هموطن مجاهد و انقلابی ما و چندین تن از اعضای سازمان رهایی افغانستان و خون داکتر فیض احمد پیش چشم مردم ماست و در سوی دیگر گلبدین و باندهش که این خونها از سر و رویشان میچکد با کارنامه های مملو از همدستی با روسها ، فساد ، جنایت و خیانت .

کیست که به دروغها و اراجیف گلبدین این نامردک منحرف کوچکترین بهایی قایل شود ؟ گلبدین و باندهش هر قدر دست به جنایت زند ، هر قدر ریشمرمانه دروغ بافت و عوامفریبی کنند باز هم مردم ما غافل نخواهند بود که بگذاردند از یک درخانه شان گرگ خارج شود ولی از در دیگر سگ وارد . مردم ما اجازه نخواهند داد که وقتی متجاوزین روسی از کشور ما راند میشوند ، با به صحنه آمدن باند بنیادگرا و جنایت پیشه ی گلبدین باریگر افغانستان فضای سیاه و شوم ترور ، عقب ماندگی و جهالت قرون وسطایی یعنی چیزی میران کننده تر از تجاوز امپریالیسم روس مستولی گردد . آن روز که خون هزاران قربانی ارتجاع و تروریزم باند گلبدین به زوربازی سختگیر و توانای مردم آزاد یخواه ما از حلقوم فرد گردانندگان این باند (حساب اعضای عادی حزب اسلامی از باند گلبدین جداست) بیرون ریزد دور نیست .

اینک شهادت نابهنگام داکتر فیض احمد کلیه انقلابیون و مجاهدین آزاد یخواه وطن ما را در راند و عمیقی فرو برده است . اما از آنجا که داکتر فیض احمد با شهادت شهید رزیر شکنجه های گلبدین و باندهش ، سرمشق جاودانی و الهام بخش دیگری از مقاومت قهرمانانه و فشاری روی مبارزه استقلال طلبانه و ضد فاشیستی برای ما بجا گذارده ، از آنجا که داکتر فیض احمد با وقف عمر لحظه بیش از ۲۰ سال عمر سیاستش و مایه گذاشتن از خونش بذر سرخی

سیاسی چهره‌ای محبوب و برجسته بود. در سالهای ۴۷ که جنبش دموکراتیک نئو- (شعله جاوید) شکل گرفت، او نقش چشمگیری در پرورش سیاسی و سازمان‌دادن طرفداران آن جنبش ایفا کرد و بمثابة پلسمین و مبلغ بصیر ضد وطنفروشان پرچمی و خلقی و سردمداران مرتجع و تروریست جریان متعصبین مذهبی آنزمان از احترام و نفوذ فراوانی بین مردم و مخصوصاً روشنفکران برخوردار بود. او در سال ۱۳۵۲ با توجه به اشتباهات کار جنبش شعله جاوید و درک عمیقش از اهمیت تشکیلات انقلابی، "گروه انقلابی خلقهای افغانستان" را (که بعد از سال ۱۳۵۹ به "سازمان رهایی افغانستان" تغییر نام یافت) تاسیس کرد. داکتر فیض-احمد کودتای شور ۱۳۵۷ را بید رنگ، پیش‌دآمد تجاوز مستقیم روسها در افغانستان دید و با آنکه خودش از مدت‌ها پیش مجبور به زندگی مخفی و دشوار بود سازمان را در راه افشای بیشتر پرچمی‌ها و خلقی‌ها بعنوان نوکران بی‌چون و چرای مسکو و تدارک مبارزه مسلحانه بسیج ساخت. داکتر فیض‌احمد در طرح‌ریزی سازماندهی قیام چارده‌اسد (قیام بالاحصار) نقش بزرگی داشت. با شکست این قیام، خودش با جمعی دیگر از رهبران قیام دستگیر شدند اما فرار حماسی وی از چنگ جلادان که توسط هم‌زمانش سازمان داده شده بود ضریب روانی سنگینی بر رژیم تره‌کی - امین بود. پس از تجاوز عریان دولت شوروی به کشور ما، سازمان تحت رهبری وی طی مدت نسبتاً کوتاهی توانست قسمت عمده نیرویش را از شهرها به روستاها انتقال داده و فعالانه در جنگ ملی سهم گیرد. او در جنگ مقاومتکنونی، معیار اساسی سنجش انقلابی بودن افراد سازمان را در میزان وطنپرستی شان دانسته و بر آن بود که رهایی توده‌های محروم و زحمتکش میهن ما بدون کسب استقلال ممکن نیست. در عین حال او به اعضای سازمان مؤکداً میاموخت و هشدار میداد که هرچند جنگ ملی جاری برای ما عمده است اما هیچگاه نباید از خطر بنیادگرایان فاشیست و در راس آنها باند گلبندین غافل بود. داکتر فیض‌احمد بمثابة میهن پرستی انقلابی و تا آخر پیگیر، در سراسر عمر سیاسی‌اش با پاکبختگی‌ای خاص یک رهبر آگاه و اندیشمند، سازمان را در راه ایجاد اتحاد بین تمام نیروهای ضد روسی و ضد فاشیست، پیوند عمیق و ناگسستنی بین زحمتکشان ملیتهای مختلف کشور و تلاش برای همبستگی و یگانگی جنبش انقلابی هدایت کرد. یاد داکتر فیض‌احمد همچون یاد اکرم یاری و مجید کلکانی و رهبران دیگر ازین برش پاک و شعله‌ور تا ابد در قلب توده‌ها زنده خواهد بود.

اگرچه تا کنون چندین تن از اعضای سازمان رهایی بدست باند بیمارگلبندین بشهادت رسیده‌اند، اما خون داکتر فیض‌احمد یکبار دیگر برای همه نیروهای ملی و انقلابی و حتی برای خوشباورترین افراد باید ثابت ساخته باشد که این باند تروریست چگونه بجای مبارزه با روسها دست در دست آنها علیه نیروها و عناصر رهایی وطن ما همانند لاشخوری سیر نشدنی در کمین و صدد توطئه چینی است. تقریباً هیچ نیروی سیاسی ضد روسی وطن ما نیست که گلبندین همانند پشکی وحشی با چنگال کثیفش بروی آنها نپرده باشد و درین مورد حتی بر همگامی‌های بنیادگرایش نیز رحم نکرده است. خون داکتر فیض‌احمد به همگان روشن می‌نماید که چون مظهر و گلبندین بخلت خیانت‌ها و جنایاتش علیه مردم ستفدیده ما و نیز افکار ضد انسانی، ضد دمو-

را در سرزمین ما کاشته که جوانه زدن شان یقیناً ضامن استقلال واقعی و رهایی کامل از یوغ هرگونه فاشیزم زیر لوای مذهب و تاریخ اندیشی نوع گلبدینی خواهد بود؛ از آنجا که داکتر فیض احمد سازمانی آبدیده و رزمنده چون سازمان رهایی را بنیان گذارده و پرورش داده که رهروانش در نبرد بحاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و نبرد بر ضد مرتجعانسی ضد انسانی مثل "امیر" گلبدین و باندش از چارشقه شدن نمانند؛ از آنجا که خون داکتر فیض احمد بر تاج درفش گلگون راه رهایی مردم ما نقش بسته و هزاران دست مصمم تفنگ افتاده اش را تا آخر تاروز پیروزی نهایی صفرکشان بلند خواهد داشت؛ آنگاه این اندوه جایش را به اراده ای توفانزا در پیشبرد استوارانه تر جنگ ضد روسی و ضد بنیادگرایی گلبدین میسپارد. هم اکنون یکچنین اراده ای در وجود اعضای سازمان رهایی — جسمی عالی و پر خروش دارد و مسلمانان در وجود سایر مبارزین راه آزادی نیز به میزانهای متفاوت، تکان و جوشی همین ایجاد خواهد کرد.

سایه ی شخصیت، زندگی و آموزش های داکتر فیض احمد برای همیشه در فضای افغان — نستان دلدار ما در گشت و گذار خواهد بود. سایه ای که در قلب کلیه انقلابیون راستین مایه الهام و امید بوده و در دل شماری دشمنان سیاه طینت میهن و مردم ما چون بانند گلبدین وحشتی مرگبار خواهد آفرید.

خبر سنگین شهادت داکتر فیض احمد میرود تا با گذر از کوهپایه ها و دره ها و دشت ها برگوش تک تک از مردم، زن و مرد، پیر و جوان رسیده و با فرو چکیدن اشک سرخ آنان بی تردید نطفه ی انتقام حتمی از دشمنان وطن، مردم، اسلام و انسانیت نظیر باند گلبدین، در سینه ی پر درد شان گره خورد.

ما مجدداً در برابر مردم نجیب و آزاد یخواه ما و در برابر خون و خاطره ی رفیق داکتر فیض احمد سوگند میخوریم که امر جلیل بجا مانده اش را با شرافت و بی تزلزل به پیش برده و هر آنچه که در سمت عشق به میهن و نیکبختی خلق عذابیده ای ما به ما آموخته، مؤمنانه در عمل بکار بسته و تنها با به پیروزی رساندن آرمانهای والايش است که خواهیم توانست انتقام شایسته اش را بگیریم.

- درد آتشین و افتخار ابدی به رفیق شهید داکتر فیض احمد!
- مرگ بر تجاوز کاران روسی و نوکران پرچمی و خلقی آنان!
- ننگ و مرگ بر در و درسته ی جنایتکار گلبدین!
- پیروز باد جنگ آزاد بیخوش ضد روسی ملت کبیر ما!
- زنده باد سازمان رهایی افغانستان!

سازمان رهایی افغانستان